

خدمت گاهانه نوایر عزیزم فدایت شوم بر عرض سلام از راه دور ترا میبوسم و به
 آن روز در دیار است بیستم مدت یکسال است که کوهکلیزی هر یانانامه ای از تو ندانم
 متا کات تبریک نام که مستادم بدار سال ۷۴۰ (۱۹۶۹) جوانی دریافت شد متا تبریک که
 برایت تبریک محید فرستاد بزرگ در میان پاکت را می بدار تبریک آمرکائیت
 کردم که اگر بار نامه فرست بدید آدره باشند یا کند من مرتب با ناظمه قائم نامی

یعنی دارم خود ناظمه خانم با دفرودامادسی تا حیثا فایمانه من آمدند اوام بیع
 خبر از ما ندانست گفت نامه دادم جوانی نیامده و فرزندم لبر حال من مستدام
 دلیل نرسیدن نامه به راستی چیست چرا از خانه های و متا از انوسه میرسد و از سی

نبرد در صورتیکه من از سال ۶۹ که بجه چشم را برداشتم همدماه لبر کجه یعنی
 هر طار

دانش بکلیا خوب روی امتادم که بکلیا به یاد در بددم بکوفه مارینی در منامای
 یعنی زد که در اثر ضربت ای که سرم روزی در دست و با نام زخم شد چشم طرف

لک آورد و هجوار همدماه فعلا دیوانا کافی نیست متا متوانم بگویم که منستم

هجوار بکلیا درد و ناراضی فعلا موصفت لنگه استرام که دکتر گفت باید یک عمل دیگر

یعنی یک پرده روز آن بکسم که فکلی دید متا تارک دروش را بنی هون سلولهای

آما از کار اضاحو خلاصه من بر اثر زنی از بار سال تا بحال نامه نداده ام و بدار تبریک
 و بجه یابی از بر ماه ۷۰ هون نمیدیدم و من فعلا که آن هم دیگرم را عمل کردم

لبر شرو اولی نامده ای که هجوار از عمل چشم منبوسم بر اثر نوایر عزیزم است لبر حال انبر
 شرح حال من و اما از حال بجه با جوانی همید از سر و شور و بجه یابی کور از دیرم

ملکی سلام میرسانند من عکس عمرولی مریم و کوروز را برایت فرستادم و بی جواب
 رسو آنرا در یافت نکردم تو ایر عزیزم تا خانه ات محض شو و ما ملکی تا دیگر
 حافظه میلی برایت نامد فرستادم بیست نه رسیده تمام مامیل و جوشان سلامتند و
 سلام میرسانند که عکس تاریخی و قدیمی پدرم مادرم و ما و تو ایر را برایت میفرستم
 تو این میبینی جواب بده رسیده یا نه + میلی دلم بر اثر قدرت تنگ کوه از قول من به
 ایران عزیزم برون و مهداد سلام گرم و همبانه مرا برسان و بیره را نقل کن از طرف
 من بیوس محهار مهداد را که بر اثر بیماری سنان سی و محل جسم در لندن کشید فراموشی
 نخواهم کرد امیدوارم بتوانم روزی قیران کنم از او شکر کن

تو ایر عزیزم منظور که گفتم دنیا با ما یا از تلکدواز جوانی ما و تو ایر بی پدر و مادر را
 از چله تلک جدا کرد و بی بازم و سنام که صد سالگی در ایران بود در دیار تالو شد
 با از اول بیره زودتر دیدن تو و فرزندان استم لیر کجا که بیسی اول سلامت و شکر
 نهم از تنگی کن سلام گرم مرا برادر عزیزم آمار بدیع برسان هلی دلم منجواست بیکبار
 دکتر به لندن میامدم البته بهم میتوانی براسی دربار بلط مجانی رخت ویر
 گفت تا لندن را بگذرد ولی عجبی که دارد در ایران ویزا ایر لندن میدهد پسند
 من با بی بروم پیکهای دیگری مثل دوی یا ترکیه یا امال آن الله را دانشی
 دخواستند از لندن و نیا بگرم انهم هلی گران تمام میشود که بروم و برگردم و
 مرشد بروم البته نهرام بلط استامیل ترکیه را رخت و برگشت که هسته و فعال دارم
 خود از عید اگر سلامت بودم با بیبار بر بروم و برگردم به حال منتظر نامد تو میستم خواهی
 میکنم جواب نامد مرا بده تا روزی در برایت قربانیت تو ایرت نصرت در قلب من جاری